

پژوهش‌نامه کاشان، شماره نهم (پیاپی ۱۷)  
پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۹۳



**بررسی باستان‌شناسانه سیلاب‌ها به‌عنوان عاملی  
برای جابه‌جایی داده‌های فرهنگی (مطالعه  
موردی: محوطه نجف‌آباد آران‌ویدگل)**

رضا نوری شادمهانی\*

علی مولودی آرانی\*\*

**چکیده:**

مزرعه نجف‌آباد در هفت کیلومتری شمال شهرستان آران‌ویدگل و در حاشیه غربی دشت کویر و جنوب دریاچه نمک قرار گرفته است. در این مزرعه، محوطه‌ای به ابعاد ۸۰۰ متر طول (شرقی - غربی) و ۵۹۴ متر عرض (شمالی - جنوبی) از سوی شهرداری مرکزی آران‌ویدگل برای انتقال کارگاه‌های مشاغل مزاحم شهری خریداری شده است. براساس نظر کارشناسان اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی این شهرستان، این قطعه خریداری شده، مشکوک به محوطه تاریخی بود. بدین سبب برای حل این مشکل و رفع اختلاف میان اداره میراث‌فرهنگی و شهرداری آران‌ویدگل، انجام پروژه گمانه‌زنی باستان‌شناسی ضروری بود. پرسش اصلی کاوشگران آن بود که حجم گسترده داده‌های سطحی می‌تواند گواه وجود یک محوطه تاریخی در این محدوده باشد؟ بدین منظور این گمانه‌زنی با هدف روشن ساختن ماهیت محوطه و گاه‌نگاری احتمالی آن آغاز شد. بر این اساس، پس از بررسی کل دشت و بررسی پیمایشی محوطه، با در نظر گرفتن احتمالات گوناگون، یازده گمانه حفر شد. پس از اتمام پروژه گمانه‌زنی روشن شد هیچ‌کدام از گمانه‌ها در بردارنده سازه معماری یا لایه فرهنگی نیستند، اما در همه آن‌ها لایه‌های خاکرفت و آبرفت بخش اصلی لایه‌بندی گمانه‌ها را در برمی‌گیرد.

بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به‌عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...

\* استادیار دانشگاه کاشان / noorshad@kashanu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه تهران / alimoloodi68@gmail.com



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

نتیجه نهایی آنکه به احتمال فراوان، حجم وسیع داده‌های باستان‌شناسی سطحی در این محوطه، در اثر سیلاب‌های سالیان متمادی از مناطق بالادست به این دشت منتقل شده است.  
**کلیدواژه‌ها:** آران‌ویدگل، نجف‌آباد، داده‌های سطحی، خاکباد، سیلاب، گمانه‌زنی.

## مقدمه

در حاشیه شهر آران‌ویدگل، محوطه‌های بی‌شماری دیده می‌شود که بر سطح آن‌ها پراکنش داده‌های فرهنگی، به‌خصوص قطعات سفال، فراوان و قابل توجه است. در ادبیات باستان‌شناسی، این گونه محوطه‌ها را استقرارهای انسانی می‌دانند که سرانجام در نبرد با سختی<sup>۱</sup> و بی‌ثباتی<sup>۲</sup> شرایط زیستی، قافیه زندگی را باخته، خالی از جمعیت گردیده و به تدریج زیر ریگ‌های روان کوبری دفن شده‌اند. محوطه‌های تاریخی ویگل و هراسکان و فیض‌آباد از جمله محوطه‌های نویافته این منطقه هستند که در سال‌های اخیر، مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند (برای کسب آگاهی بیشتر نک: جاوری، ۱۳۸۹؛ جاوری، نوری شادمهانی و صدرایی، ۱۳۹۱؛ نوری شادمهانی و نعمتی، ۱۳۹۲؛ نوری شادمهانی و جاوری، ۱۳۹۳). اما آیا هر محوطه‌ای صرفاً با داشتن داده‌های فرهنگی سطحی می‌تواند محوطه‌ای تاریخی همچون ویگل و هراسکان یا فیض‌آباد باشد؟ پاسخ، بی‌تردید منفی است؛ زیرا می‌توان این‌گونه هم پنداشت که در نتیجه جاری شدن سیل‌های عظیم، داده‌های تاریخی مناطق فرازین به سمت نقاط پست‌تر سرازیر شده و سرانجام در پست‌ترین نقطه این جغرافیای ویژه، تراکم یافته باشند. یکی از این محوطه‌ها که سال‌ها به اشتباه آن را استقرار تاریخی می‌پنداشتند، مزرعه نجف‌آباد است که البته نتایج گمانه‌زنی باستان‌شناسی، نادرستی این فرض را آشکار ساخت؛ زیرا به‌رغم داده‌های فراوان سطحی، این محوطه نه مانند ویگل نهشته باستانی داشت و نه همچون فیض‌آباد، سازه‌های معماری.

نگارندگان در این نوشتار با استفاده از کاربست ترکیبی (مبتنی بر نتایج گمانه‌زنی باستان‌شناسانه، خوانش متون کهن و توجه به روایات شفاهی بومیان) چرایی و چگونگی پراکنش داده‌های فرهنگی بر سطح محوطه نجف‌آباد را بررسی کرده‌اند. نویسندگان امیدوارند این پژوهش بتواند الگویی فراروی پژوهندگان، به‌ویژه باستان‌شناسان، در زمینه بررسی‌های پیمایشی منطقه و کاوش باستان‌شناسی برخی از محوطه‌ها قرار دهد.

## ۱. بیان مسئله

برنامه گمانه‌زنی محوطه نجف‌آباد آران‌ویدگل براساس مجوز صادره از سوی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور با شماره ۸۳۵۴ / ۱۴۳۱۴۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ از ۱۵ اردیبهشت تا ۱۵ خرداد سال ۱۳۹۴، به سرپرستی رضا نوری شادمهانی انجام گرفت.<sup>۳</sup> هدف از گمانه‌زنی، روشن ساختن ماهیت محوطه و گاه‌نگاری احتمالی آن و همچنین کمک به رفع اختلاف میان اداره میراث فرهنگی و شهرداری شهر آران‌ویدگل بود. بر سطح محوطه

نجف‌آباد نیز همچون استقرارهای پیش‌گفته، انواع داده‌های فرهنگی سطحی، به‌ویژه قطعات فراوان سفال مشاهده می‌شود. کارشناسان اداره میراث‌فرهنگی آران‌و‌بیدگل بنا بر تجربه بوم‌شناختی و البته رعایت اخلاق حرفه‌ای، به گمان وجود محوطه‌ای تاریخی در این محدوده، به مدت سه سال از انتقال کارگاه‌های مزاحم شهری به این نقطه جلوگیری کرده بودند. این گمان به دو دلیل، مستدل و منطقی به‌نظر می‌رسید: ۱. پراکنش وسیع داده‌های باستان‌شناسانه بر سطح این محوطه که عمده آن‌ها مربوط به دوره صفوی تا اواخر پهلوی بود؛ ۲. با توجه به آنکه بخش گسترده‌ای از محوطه در معرض خاکبادهای مستمر این منطقه بوده، احتمال می‌رفت در سطوح زیرین این محوطه، نهشته‌های باستانی وجود داشته باشد. وجود نمونه‌های مشابهی چون محوطه‌های ویگل و هراسکان و فیض‌آباد در همین شهرستان که سازه‌های معماری و لایه‌های فرهنگی آن‌ها زیر ماسه‌های روان مدفون شده بودند، این احتمال را تقویت می‌کرد. چه بسا با ساخت کارگاه‌های صنعتی در این مکان، روستا یا شهری تاریخی و خاموشی‌گزیده از فرهنگ غنی و درازدامن این ناحیه برای همیشه رخت بربندد و گاه‌نگاری تاریخی این منطقه را با مشکل روبه‌رو سازد. بنابراین برای پرهیز از چنین‌گزندی، به پیشنهاد اداره میراث‌فرهنگی آران‌و‌بیدگل و همکاری شهرداری این شهر، پروژه گمانه‌زنی اضطراری محوطه نجف‌آباد به مدت یک ماه انجام گرفت؛ بخشی از دستاوردهای اولیه این برنامه در قالب نوشتار پیش‌رو ارائه شده است.

## ۲. موقعیت جغرافیایی

محوطه نجف‌آباد در هفت کیلومتری شمال شهر آران‌و‌بیدگل قرار دارد. محوطه یادشده در حاشیه کویری شهرستان آران‌و‌بیدگل و در موقعیت  $37^{\circ}55'96''$  شمالی و  $54^{\circ}35'88''$  شرقی قرار گرفته است (نقشه ۱ و شکل ۱).



نقشه ۱: موقعیت محوطه نجف‌آباد در شهرستان آران‌و‌بیدگل (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)



شکل ۱: موقعیت محوطه نجف‌آباد در شمال شهر آران و بیدگل (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

این محوطه که در گذشته‌ای نه چندان دور، جزو مزرعه نجف‌آباد به مالکیت آقای عباس عصّار منفرد بوده، در حال حاضر در مالکیت شهرداری آران و بیدگل است. این سازمان، محوطه یادشده را به منظور انتقال کارگاه‌های مزاحم شهری خریداری کرده است (شکل ۲).



شکل ۲: محوطه نجف‌آباد، دید از جنوب، دیوار بلوکی جداکننده محوطه از مزرعه نجف‌آباد است (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی منتهی به نجف‌آباد، بلوار ارتش در شمال آران و بیدگل است. از مقابل درب اصلی این پادگان، جاده فرعی خاکی به سمت مزرعه نجف‌آباد منشعب می‌شود که مهم‌ترین مسیر ارتباطی به این محوطه است (نقشه ۲).



نقشه ۲: کروکی محوطه نجف آباد و مسیرهای دسترسی به آن (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

### ۳. شرایط اقلیمی

#### ۳.۱. آب و هوا

از نظر آب و هوایی، محوطه نجف آباد همانند مناطق اطرافش به دلیل همجواری با دشت کویر و دوری از رشته کوه های البرز، دارای آب و هوای خشک و بیابانی همراه با نوسانات شدید درجه حرارت و میزان ناچیز بارش سالانه است. از این رو فاقد آب های سطحی قابل توجه است (فرهنگ جغرافیایی آبادی ها، ۱۳۶۴، ج ۱-۲: ۴۹). با وجود این در معرض سیلاب های بهاری بوده است. مستوفی قزوینی از سیل های عظیم بهاری می نویسد که شهر کاشان را از آن خونی بود (۱۳۶۲: ۲۲۲). آران و بیدگل نسبت به آب های آزاد از کاشان پست تر است؛ بنابراین باید پذیرفت که مردمان این شهر، بیشتر از اهالی کاشان در معرض خطر بوده اند. این نوع سیل های هولناک در سده های اخیر نیز بارها موجب آسیب های جدی شده است. کلاتر ضرابی از سیلی می نویسد که در سال ۱۳۸۲ق در این منطقه جاری شده و خرابی هایی به بار آورده بود (کلاتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۰۸ و ۲۰۹). ضمن آنکه کهنسالان بومی هم، در مذاکره حضوری با نگارندگان، از خاطرات خویش از این سیلاب ها و خطرات ناشی از آن یاد کرده اند.

#### ۳.۲. پوشش گیاهی

محوطه نجف آباد در حال حاضر فاقد هرگونه پوشش گیاهی است؛ اما در برخی گمانه ها

بررسی باستان شناسانه  
سیلاب ها به عنوان  
عاملی برای جابه جایی  
داده های فرهنگی...



- 
- 
- 
- 
- 
- 
-

شواهدی از وجود ریشه گیاهان مشاهده شد. ضمن آنکه در بخش غربی محوطه، ریشه و ساقه درختان پسته دیده می‌شود که در نتیجه کشت و کار در سال‌های اخیر است (شکل ۳).



شکل ۳: بقایای درختان خشکیده پسته (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

### ۳.۳. نوع خاک

از لحاظ جنس خاک، بیشتر سطح محوطه را ریگزارهای شن و ماسه دربرگرفته که دارای بافت پودری است و بادهای شدید کویری که با شدت، شن و خاک کویر را در سطح مناطق زیستی پخش می‌کنند، محیط چندان مطلوبی را برای سکونت انسان ایجاد نمی‌کند (قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۲۳). محوطه‌های ویگل و هراسکان و فیض‌آباد در اثر وزش این خاکبادهای متروک و مدفون شده بودند؛ اما پس از گمانه‌زنی در محوطه نجف‌آباد روشن شد که هیچ نهشته باستانی (لایه فرهنگی) و سازه معماری، زیر بادرفت این محوطه وجود ندارد.

### ۳.۴. قنات

براساس کشف یک میله چاه قنات در گمانه شماره ۱ (شکل ۴)، نقشه توپوگرافی منطقه و نیز گفته‌های شفاهی کهنسالان بومی، چندین رشته قنات از روی محوطه عبور می‌کرده‌اند که همگی آن‌ها امروزه در نتیجه افت سطح آب‌های زیرزمینی و افول آب‌دهی، خشک و فاقد کارکرد شده و زیر ریگ‌ها مدفون شده‌اند.



شکل ۴: میله قنات در درون یکی از گمانه‌ها (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

#### ۴. سیمای تاریخی منطقه

شهرستان آران و بیدگل یکی از مناطق تاریخی ایران به‌شمار می‌آید؛ زیرا بر اثر کاوش‌های باستان‌شناختی، محوطه‌های تاریخی همانند ویگل و هراسکان و نوش‌آباد و فیض‌آباد از دل خاک خارج شده‌اند. دشت‌های آران و بیدگل گونه‌های مختلف قلعه‌ها و کاروانسراها را در دل خود دارند که برخی از شهرت بیشتری برخوردارند؛ همچون کاروانسرای مرنجاب در کویر مرنجاب، قلعه کرشاهی در ابوزیدآباد و قلعه خشتی در نوش‌آباد. در جای جای قسمت‌های کویری این شهرستان، به‌جز کاروانسراها و قلعه‌ها انواع بناها از جمله مساجد، برج‌ها، باغ‌ها و مزارع وجود دارد که در بسیاری از منابع تاریخی و سفرنامه‌های دوره صفوی و قاجار، به آن‌ها اشاره شده است. ضمن آنکه بناهایی از دوره‌های مختلف تاریخی در بافت شهری آران و بیدگل بر جای مانده است؛ از جمله بقعه امامزاده هلال بن علی متعلق به دوره صفوی که دارای بارگاه و صحن و سرای عالی و بزرگ بوده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۴۳۱؛ نراقی، ۱۳۷۴: ۳۲۹-۳۳۱)، بقعه امامزاده قاسم با گنبد مخروطی و کاشی‌کاری دوره صفوی، بقعه شاهزاده هادی از دوره صفوی، مسجد جامع قاضی با بنای دو طبقه (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، مسجد نقشینه بیدگل با تاریخ احتمالی دوره ایلخانی، بنای خشتی شاسوسا در منطقه یحیی‌آباد متعلق به دوره پیش از صفوی. افزون بر این، به دلیل اتکای بافت شهری آران و بیدگل به فئات‌های شهری، انواع بناهای عام‌المنفعه مرتبط با سیستم آبرسانی در این شهر وجود دارد؛ همچون آب‌انبارها، حمام‌ها، حوض‌خانه‌ها و یخچال‌ها. افزون بر بناهای تاریخی پابرجا و محوطه‌های کشف‌شده، داده‌های زبان‌شناختی نیز بر قدمت این شهر تأکید دارند. زبان مردم آران و بیدگل، فارسی با لهجه‌های گوناگون است که دارای فرهنگ واژگان و اصطلاحات پربار است. همچنین تا چند دهه پیش، اغلب مردم به زبانی مشهور به زبان «دهی» سخن می‌گفتند که بازمانده زبان‌های پهلوی پیشین است که تا امروز در سراسر شهرها و روستاهای کناره کویر همچون ابوزیدآباد، نطنز، بادرود، زواره و... با اندک تفاوت در لهجه، کاربرد دارد (افشار سیستانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

#### ۵. آسیب‌شناسی

هرچند در پایان گمانه‌زنی روشن شد که این محوطه فاقد سازه‌های معماری و نهشته‌های باستانی است و اطلاق نام محوطه تاریخی و ذکر دلایل آسیب‌شناسی آن چندان موضوعیتی ندارد، جا دارد در این باره به نکته‌ای مهم اشاره شود. کارکنان شهرداری به‌منظور کشف ماهیت این محوطه، اقدام به حفر گودال‌هایی با وسایل مکانیکی کرده بودند که این عامل را می‌توان از جمله آسیب‌های محوطه به‌شمار آورد (شکل ۵). شایان ذکر است هیئت حفاری با بررسی در جداره‌های این گودال‌ها، به این نکته پی برد که در شمال محوطه، هیچ گونه نهشته باستانی وجود ندارد؛ بنابراین گمانه‌ها عمدتاً در قسمت جنوب محوطه حفر شدند.

بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به‌عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...





شکل ۵: گودال حفاری که با وسایل مکانیکی ایجاد شده است (برگرفته از نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

## ۶. پیشینه پژوهش

به رغم جدال حدوداً سه ساله شهرداری با اداره میراث فرهنگی آران و بیدگل بر سر این محوطه، هیچ گونه فعالیت میدانی پیش از برنامه گمانه‌زنی اخیر، در این محوطه انجام نگرفته بود. البته گفتنی است دانشجویان رشته باستان‌شناسی دانشگاه کاشان در قالب روش میدانی بررسی باستان‌شناختی منطقه، این محوطه را نیز بررسی نموده بودند. برخی از یافته‌های سفالین این محوطه در بانک سفال دانشگاه کاشان نگهداری می‌شود.

## ۷. فعالیت‌های پیش از گمانه‌زنی

### ۱.۷. بررسی پیمایشی

از آنجایی که پیش از آغاز گمانه‌زنی، ضرورت آشنایی اعضای حفاری، با محوطه یادشده و ویژگی‌های آن احساس می‌شد، تمامی اعضا به مدت سه روز کاری بر سر محوطه رفته و از نزدیک با این محوطه آشنا شدند. بدین منظور هیئت به بررسی پیمایشی محوطه اقدام کرد که پیامد آن به دست آمدن نتایج زیر بود:

الف. بررسی محیط پیرامون محوطه و شناخت ویژگی‌های زیست‌محیطی از قبیل منابع تأمین آب مزارع اطراف محوطه، مسیرهای دسترسی کهن و جدید که از گذشته‌های دور تا هم‌اینک، در اطراف محوطه مشاهده می‌شوند و خاکبادی که از زمان‌های دور در این منطقه می‌وزیده و البته به‌عنوان یکی از مشکلات زیست‌محیطی مطرح بوده است.

ب. بررسی ویژگی‌های توپوگرافیک محوطه و آشنایی اعضای هیئت با بلندترین و پست‌ترین نقاط، جهت شیب محوطه و...

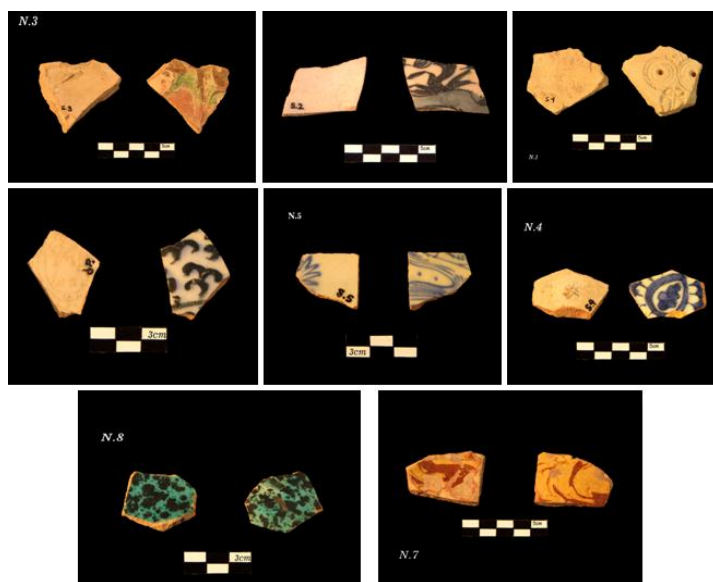
ج: بررسی سطح محوطه و آشنایی با مواد فرهنگی پراکنده بر سطح آن. در این خصوص،



اعضا با پراکنش، تراکم و نوع یافته‌های سطحی محوطه از نزدیک آشنا شده و به طبقه‌بندی و گونه‌شناسی اولیه آن‌ها پرداخته و در نهایت، به مستندنگاری (طراحی، عکاسی و توصیف فنی سفال‌ها در قالب کاتالوگ) اقدام کردند که در این بخش از مقاله به اختصار به آن‌ها پرداخته‌ایم.

#### ۱.۱.۷. یافته‌های سفالی

در سطح محوطه، قطعات ریز و درشت سفال مشاهده می‌شد که پس از مطالعه، روشن شد تقریباً تمامی آن‌ها به ادوار پس از ایلخانی تعلق دارند. در این بخش، تصاویر و طرح‌های برخی از سفال‌های مستندنگاری شده ارائه می‌شوند (شکل‌های ۶ و ۷ و طرح‌های ۱ و ۲). از سطح محوطه، ۱۱۷ قطعه سفال جمع‌آوری شد که ۱۰۸ قطعه سفال از نوع نخودی، ۸ قطعه از نوع قرمز و ۱ قطعه از نوع خاکستری بود. مطالعات مستندنگارانه نشان داد که بیشترین گونه سفالی از نوع آبی و سفید صفوی است و پس از آن، گونه سفالین از نوع لعاب مرمری (Marble) قرار دارد؛ این نوع سفال در محوطه فیض آباد نیز دیده شده است. پس از آن‌ها سفال از نوع قلم مشکی (Silhouette) قرار دارد که متعلق به دوره ایلخانی هستند. نکته مهم اینکه شاموت تمام سفال‌ها، کانی است که با ویژگی‌های زیست‌محیطی منطقه کاملاً هماهنگ است. روی تعدادی از سفال‌های آبی و سفید امضای سفالگر شبیه حروف چینی دیده می‌شود و در آخر باید اضافه کرد که سفالی با ترقیمه‌ای با مضمون «عمل ح... سنه...» مشاهده شد که متأسفانه نام سفالگر و سال ساخت آن از بین رفته است (شکل ۷).

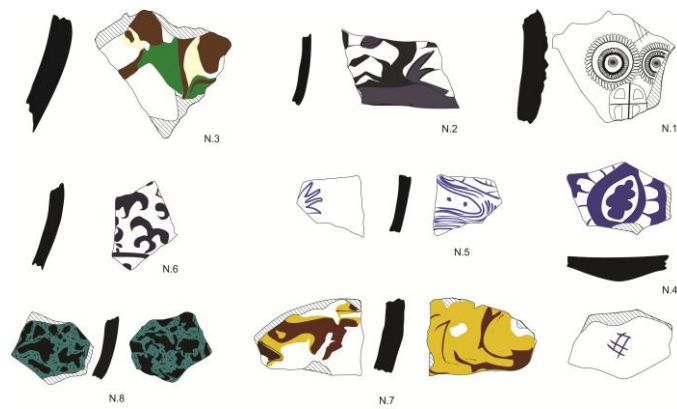


شکل ۶: سفال‌های شماره ۱ تا ۸ (برگرفته از نوری شادهمانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•



طرح ۱: سفال‌های شماره ۱ تا ۸ (برگرفته از نوری شادمهانی و مولودی آرنی، ۱۳۹۴)



شکل ۷: سفال شماره ۹۲ (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرنی، ۱۳۹۴)



طرح ۲: سفال شماره ۹۲ (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرنی، ۱۳۹۴)

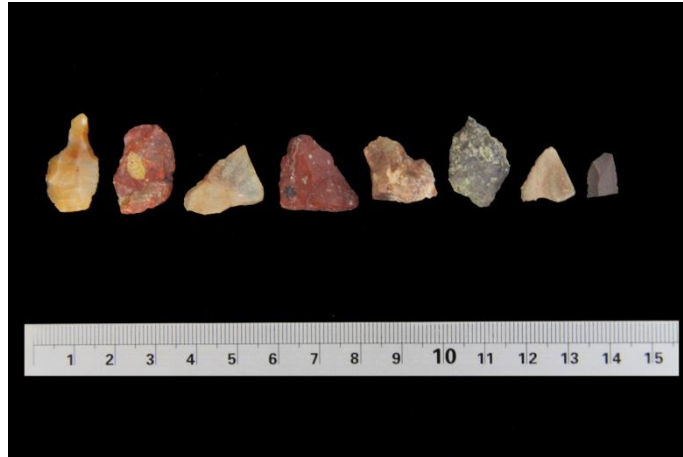
پژوهش‌نامه کاشان  
شماره نهم (پیاپی ۱۷)  
بایز و زمستان ۱۳۹۵



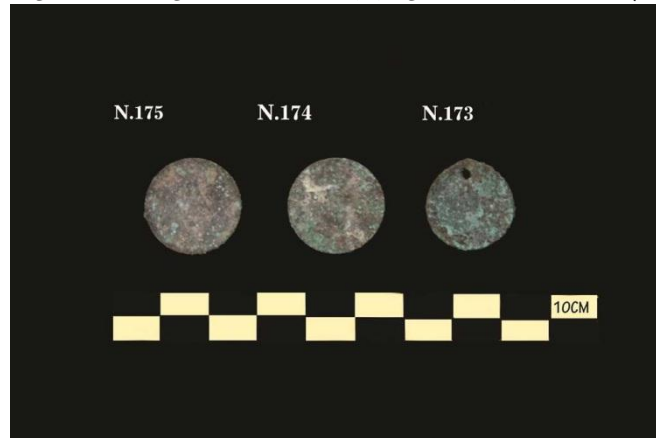
•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

### ۲.۱.۷. یافته‌های ویژه

در مرحله بررسی پیمایشی محوطه، افزون بر قطعات سفال، یافته‌های ویژه‌ای همچون قطعات شیشه، ابزارهای سنگی، اشیای فلزی، مسکوکات، قالب سفالین و... به دست آمد که به دوره‌های مختلف زمانی تعلق داشتند؛ مثلاً چند تیغه سنگی (شکل ۸) که هر چند شناخته شده‌ترین نمونه‌های مشابه آن متعلق به دوران پیش از تاریخ است، نمونه‌هایی از آن‌ها در محوطه‌های دوران تاریخی و دوران اسلامی نیز دیده شده است. از سوی دیگر، چند سکه قالب‌زده که به دوره معاصر مربوط است (شکل ۹). این تنوع اشیای با تاریخ‌های گوناگون، نکته مهمی است که از فرض ما مبنی بر اینکه محوطه در اثر جاری شدن سیل ایجاد شده، پشتیبانی می‌کند. در این بخش، تصاویر و طرح‌های تعدادی از یافته‌های ویژه سطحی این محوطه ارائه می‌شود.



شکل ۸: چند نمونه از ابزارهای سنگی (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)



شکل ۹: سه عدد سکه قالب‌زده (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

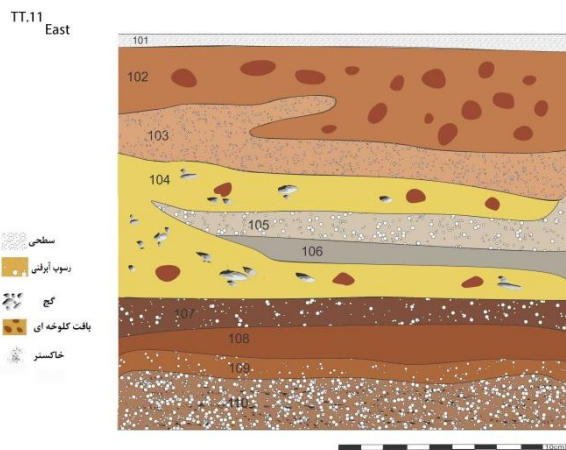
بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...

## ۲.۷. عملیات گمانه‌زنی

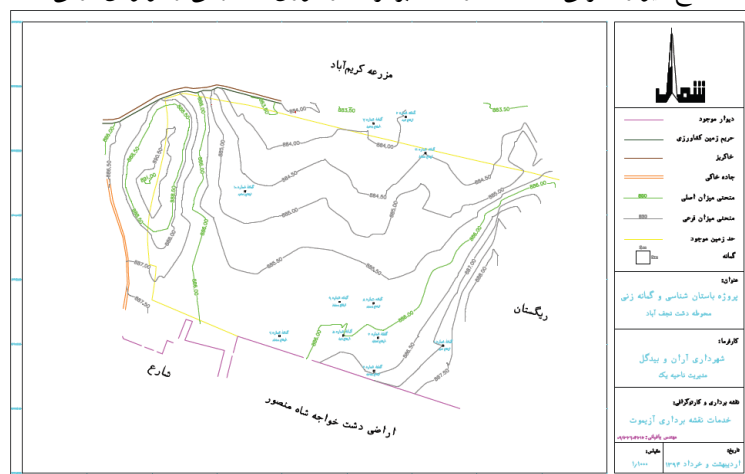
چنان‌که در سطرهای پیشین اشاره شد، حدوداً از سه سال پیش از این کاوش، میان اداره میراث فرهنگی آران و بیدگل و شهرداری این شهر، بر سر محوطه نجف‌آباد اختلاف وجود داشت. کارشناسان میراث فرهنگی براساس شواهد سطحی همچون قطعات فراوان سفال، زمین پیش‌گفته را محوطه‌ای تاریخی می‌پنداشتند و از انتقال کارگاه‌های مزاحم شهری به این محوطه، ممانعت به عمل می‌آوردند. دلیل آن‌ها تا حدودی موجه بود؛ زیرا به تجربه دریافته بودند که خاک‌باد از سده‌ها پیش، محوطه‌ها و روستاها و شهرهای تاریخی این منطقه را مدفون کرده است. به هر روی، به منظور رفع این اختلافات و کشف ماهیت تاریخی یا غیرتاریخی بودن این محوطه، برنامه گمانه‌زنی پیشنهاد شد. در این باره، براساس ابعاد محوطه و با در نظر گرفتن این مسئله که این محوطه در جبهه شرقی و شمالی با معادن مخلوط سنگ و در جبهه جنوبی با مزارع کشاورزی محصور شده است، یازده گمانه در ابعاد ۲×۲ متر مربع در محدوده این عوارض طبیعی و انسانی حفر شد که در شکل (۱۰) یکی از این گمانه‌ها را مشاهده می‌کنید. گفتنی است در سال‌های گذشته، در مرکز و شمال این محوطه ۴۱ هکتاری، گودال‌هایی توسط وسایل مکانیکی متعلق به شهرداری ایجاد شده بود که بعضاً عمق آن‌ها به دو متر هم می‌رسید. هیئت کاوش با بررسی دقیق جداره‌های این گودال‌ها به این نکته پی برد که در مرکز و شمال محوطه با هیچ سازه معماری و نهشته باستانی روبه‌رو نخواهد شد. بنابراین بر قسمت‌های جنوبی که پراکنش فراوان سفال هم بر سطح آن دیده می‌شد، متمرکز شد. در نقشه ۴، توپوگرافی محوطه، عوارض طبیعی و انسانی پیرامون آن و مکان گمانه‌های احداث شده را مشاهده می‌کنید.



شکل ۱۰: گمانه شماره ۱۱ (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)



طرح ۳: مقطع دیواره شرقی گمانه شماره ۱۱ (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)



نقشه ۳: گمانه‌های ایجادشده در محوطه فیض آباد، مقیاس: ۱:۱۰۰۰ ترسیم از مهندس باغبانی آرانی (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)

همان‌گونه که در نقشه ۳ آشکار است، محوطه ۸۰۰ متر طول (شرقی- غربی) و ۵۱۴ متر عرض (شمالی- جنوبی) دارد و به‌طور متوسط، ۸۸۵ متر از سطح آب‌های آزاد مرتفع‌تر است. محوطه از دو سمت شمال و جنوب با مزارع کریم‌آباد و نجف‌آباد هم‌مرز است. ضمن آنکه در شرق محوطه، ریگستان و در غرب آن، جاده خاکی مشاهده می‌شود. تمام سطح محوطه تقریباً از یکدستی برخوردار است و بر آن تجمع خاکباده‌های قرون نمایان است. در نقشه یادشده، گمانه‌ها به رنگ فیروزه‌ای مشخص شده‌اند. پس از جایابی گمانه‌ها نسبت به حفر آن‌ها اقدام صورت پذیرفت. بسیاری از گمانه‌ها تا عمق ۴ متر نسبت به سطح دشت حفر شدند؛ اما درون هیچ‌یک از آن‌ها نه داده فرهنگی و نه نهشته باستانی مشاهده نشد. بر این اساس، هرچند داده‌های سطحی در

بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به‌عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...

این محوطه از گستردگی و گوناگونی بسیاری برخوردار است، پس از پایان کاوش و عدم کشف هیچ‌گونه انباشت فرهنگی و سازه معماری در لایه‌های زیرین، تاریخی بودن این محوطه اثبات نمی‌شود.

## ۸. بحث اصلی

چنان‌که اشاره شد، محوطه نجف‌آباد در حاشیه غربی دشت کویر و جنوب دریاچه نمک قرار گرفته و به همین دلیل، از عوارض برآمده از چنین اقلیمی متأثر بوده است. یکی از عوارض آسیب‌رسان، وزش باد- در بعضی اوقات تندباد- است که باعث جابه‌جایی ریگ‌ها و شن‌ها شده و گاهی عامل اصلی دفن شدن استقرارها (روستاها و شهرها) در طول تاریخ بوده است. از جمله مهم‌ترین نمونه‌های استقرارهای مدفون در منطقه، محوطه‌های تاریخی ویگل و هراسکان و فیض‌آباد هستند که در سال‌های اخیر، با کالنگ باستان‌شناسان از دل خاک کویر خارج شده‌اند. بر این اساس، با توجه به آگاهی از این وضعیت اقلیمی در شهرستان آران‌و‌بیدگل، منطقی به نظر می‌رسید که کارشناسان اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آران‌و‌بیدگل گمان آن را داشته باشند که داده‌های سطحی مزرعه نجف‌آباد نیز می‌تواند گواهی برای مدفون بودن یک محوطه تاریخی زیر خاک‌بادهای باشد. بدین منظور و برای سنجش تاریخی بودن با نبودن این محوطه، عملیات کاوش آغاز شد.

باتوجه به آنچه تا اینجا گفته شد، براساس کاوش انجام‌شده، آشکار است که در مزرعه نجف‌آباد با محوطه‌ای تاریخی روبه‌رو نیستیم؛ اما پرسش اصلی آن است که دلیل پراکنش داده‌های سطحی گسترده در این محوطه چیست؟ فرض اصلی کاوشگران انتقال این داده‌های سطحی از منطقه‌ای دیگر به این محوطه است که علی‌القاعده محتمل‌ترین عامل می‌تواند سیلاب باشد. به‌منظور بررسی شایسته و مستدل این فرضیه، پای صحبت راویان کهنسال منطقه نشستیم. بسیاری از آن‌ها از سیلاب‌های متعددی یاد می‌کردند که بسیاری از آثار و اسباب روستاهای بالادست را با خود همراه داشت. آن‌ها همچنین از سرریز شدن قنات‌ها و طغیان آب در آن‌ها سخن گفتند. افزون بر این، متون تاریخی، به‌خصوص تواریخ محلی را بازخوانی کردیم. برای نمونه ضرابی در ضمن بلاای طبیعی منطقه کاشان، به سیلاب‌های متعددی اشاره می‌کند که اغلب در بهار اتفاق می‌افتد. وی از سیلابی در سال ۱۲۸۳ق یاد می‌کند که تمام اطراف کاشان را فرامی‌گیرد. در ضمن خرابی‌های این سیلاب تأکید می‌کند که سیلاب «به جانب بندریگ و دریای نمک همی‌رفت و در اطراف قراء نوش‌آباد و آران‌و‌بیدگل قنات را پر کرد و آب به خانه‌های اهل قراء مزبور افتاد. کار به جایی کشید که همه خلق بالمره دل از خانه‌ها و املاک و زندگانی خود برداشته... اگر چهار ساعت دیگر ادامه پیدا کرده بود، کل کاشان و توابع آن به کلی خراب و ویران شده، اثری به جای نمی‌ماند» (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۰۸-۲۰۹). در مرحله بعد، به بررسی

پیمایشی مناطق شمالی شهر آران و بیدگل (از انتهای بخش شهری تا محوطه فیض آباد) پرداختیم. قابل تأمل آنکه در بخش گسترده‌ای از این دشت، پراکندگی و گوناگونی داده‌های سطحی بسیار شبیه به محوطه نجف‌آباد بود و بدین ترتیب آشکار بود که این داده‌های سطحی منحصر به این محوطه نیست، بلکه در گستره وسیعی از دشت شمالی شهر آران و بیدگل مشاهده می‌شوند. افزون بر این گروه کاوش، مناطق فرازتر در کوهپایه‌های غربی (کوه سیاه، کوه بلند، کوه میل‌گله) را نیز بررسی کرد. در این مناطق، آثار متعدد مسیل‌ها و همچنین داده‌های سطحی ثبت شد. البته در مناطق فرادست پراکنش داده‌های سطحی به صورت قابل توجهی، کمتر و محدودتر از محوطه نجف‌آباد و دشت پیرامون آن بود که البته این مسئله با توجه به اختلاف ارتفاع این مناطق قابل توجهی است.

همچنین نکته مهمی که از کنار هم قرار دادن نتایج شنیده‌ها و خوانده‌ها و دیده‌ها روشن شد، این نکته بود که حوزه جغرافیایی کاشان و آران و بیدگل به دلیل وجود اختلاف سطح با مناطق کوهستانی، بارها در معرض سیلاب‌های گوناگون قرار گرفته است. به احتمال فراوان، پست‌تر بودن سطح زمین‌های این ناحیه نسبت به کوه‌های غربی، عاملی شده تا بیشتر سیل‌های کوه‌های یادشده در زمین‌های پست این ناحیه سرازیر شود و با خود هر آنچه را در مسیر وجود داشته، حمل و در این نقطه تجمیع کند (شکل ۱۱). وجود لایه‌های متعدد سیلابی در تمام یازده ترانشه حفرشده در این محوطه، اثبات‌کننده آن است که این محوطه در طول تاریخ، در معرض سیلاب‌های متعدد بوده است. بنابراین اگر فرض ما صحیح باشد، داده‌های فرهنگی سطح محوطه نجف‌آباد، داده‌های محوطه‌های بالادست هستند که در طی قرون، در این ناحیه انباشته شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

کاوش محوطه نجف‌آباد آران و بیدگل با هدف روشن ساختن ماهیت محوطه و گاه‌نگاری احتمالی آن انجام شد. برای نیل به این هدف، پس از بررسی پیمایشی محوطه، با حفر یازده گمانه در نقاط مختلف محوطه به این نتیجه رسیدیم که هیچ‌گونه سازه معماری و نهشته باستانی از ادوار گذشته، زیر خاک سطحی (خاک‌باد تجمیع شده) وجود ندارد. اما پرسشی که می‌بایست به آن پاسخی درخور ارائه می‌شد، چرایی وجود داده‌های فرهنگی گسترده و گوناگون در سطح محوطه بود. فرضی که نگارندگان برای پاسخ به این پرسش مطرح کردند، تأثیر سیلاب‌ها به‌عنوان عاملی برای جابه‌جایی داده‌های فرهنگی از مناطق فرادست به این محوطه، به‌عنوان منطقه‌ای فرودست بود. فرضی که با توجه به شرایط جغرافیایی شهرستان آران و بیدگل و کاشان دور از ذهن نیست. محوطه نجف‌آباد در دشت گسترده شمالی شهرستان آران و بیدگل، با میانگین ۸۸۴ متر ارتفاع از سطح دریا قرار دارد که نسبت به ارتفاعات غربی کاشان، بستری گسترده برای سیلاب‌های فصلی است که بیشتر در دهه‌ها و سده‌های گذشته اتفاق می‌افتاده است. در تمام ترانشه‌های این کاوش،

بررسی باستان‌شناسانه  
سیلاب‌ها به‌عنوان  
عاملی برای جابه‌جایی  
داده‌های فرهنگی...

آثار این سیلاب‌ها آشکارا مشاهده شد به شکلی که هرچند در سطوح پایین‌تر با لایه‌های فرهنگی روبه‌رو نبودیم، بسیاری از لایه‌های زمین‌شناختی، ساختاری رسوبی و سیلابی داشتند. افزون بر این، برای سنجش درخور این فرضیه، کاوشگران به بررسی پیمایشی بخش گسترده‌تری از دشت شمالی آران‌ویدگل (شمال شرق کاشان) و همچنین در مرحله بعد، بررسی پیمایشی مناطق فرادست (کوهپایه‌های غربی کاشان) پرداختند که وجود داده‌های سطحی مشابه در بخش گسترده‌ای از دشت شرقی و آثار مسیل‌های متعدد در تمام ارتفاعات غربی، مؤید فرضیه پیش‌گفته بود. همچنین، بررسی روایات شفاهی افراد کهنسال بومی منطقه و منابع تاریخی نیز اثبات می‌کرد که این دشت در گذشته، بارها در معرض سیلاب‌های مهیب بوده، به شکلی که بسیاری از آثار، اسباب و متعلقات مناطق فرادست را با خود همراه می‌کرده است. استناد منابع تاریخی به سیلاب‌های متعدد و ویرانگر در ارتفاعات غربی کاشان و فرونشستن آن‌ها در دشت‌های شرقی، مؤید فرضیه اصلی ما است. بدین ترتیب فرضیه تأثیر سیلاب‌ها در انتقال داده‌های فرهنگی به دشت شمالی آران‌ویدگل و در این پژوهش محوطه نجف‌آباد، منطقی و مستدل به‌نظر می‌رسد. قاعدتاً در بررسی‌های احتمالی آینده در حوزه شهرستان‌های آران‌ویدگل و کاشان، باید این نکته را در نظر گرفت که احتمالاً بخشی از داده‌های سطحی، حداقل در دشت‌های شمالی شهر آران‌ویدگل، به‌واسطه سیلاب‌های فصلی از مناطق فرادست کاشان به آنجا منتقل شده است.

در پایان این مقاله، پیشنهاد می‌شود در قالب یک برنامه، بررسی نظام‌مند تمام گمدره‌های مناطق کوهستانی و دشت‌های باز کوهپایه‌ها زیر پیمایش باستان‌شناسانه، مورد شناسایی و ارزیابی و تحلیل قرار گیرند. شاید از این طریق بتوان بیش از گذشته، وجوه اشتراک و افتراق داده‌های فرهنگی محوطه‌ها و تپه‌های باستانی فرازین را با محوطه‌های دشت‌های فرودین آفتابی کرد و از نتایج این رهیافت علمی در فرایند توسعه پایدار و متوازن منطقه یاری گرفت.



شکل ۱۱: چند نمونه از مسیل‌های دشت‌های بالادست (برگرفته از: نوری شادمهانی و مولودی آرانی، ۱۳۹۴)



## پی‌نوشت‌ها:

### 1. Hardness

#### 1. Unstability

۱. دوستانی که در این پروژه به‌عنوان اعضای اصلی هیئت باستان‌شناسی مشارکت داشتند، عبارت بودند از خانم‌ها سیمین‌دخت عسگری (کارشناس)، فرشته زینلی (طراح یافته‌ها) و آقایان علی مولودی (معاون هیئت)، مصیب‌احمد یوسفی (کارشناس)، اشکان اولی پوریان (کارشناس)، مهندس مصطفی باغبانی آرانی (نقشه‌بردار). همچنین از آقایان عباس اکبرزاده، حسین‌پور، خانی، علی اکبرزاده، عصار منفرد و خدمتکار که در گرمای طاقت‌فرسای کویر، در نهایت دقت و صبوری، وظایف خویش را با حسن خلق به‌خوبی انجام دادند، تشکر می‌کنیم.

## منابع

- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۹۲، فرهنگ شهرها و استان‌های ایران، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات و سازمان اوقاف و امور خیریه.
- جاوری، محسن، ۱۳۸۹، فضاها و جامعه شهرهای ایران در دوران انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی، مطالعه موردی: ویگل و هراسکان، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- جاوری، محسن و نوری شادمهانی، رضا و صدرایی، علی، ۱۳۹۱، گزارش اولین فصل کاوش محوطه تاریخی فیض‌آباد کاشان، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- سعیدی، عباس، ۱۳۸۶، «آران‌ویدگل»، در دانشنامه ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (آران)، ۱۳۶۴، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قبادیان، وحید، ۱۳۹۲، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، ۱۳۴۱، تاریخ کاشان، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۲، نزهة القلوب، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- نراقی، حسن، ۱۳۷۴، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نوری شادمهانی، رضا و نعمتی، محمدرضا، ۱۳۹۲، گزارش فصل دوم کاوش محوطه تاریخی فیض‌آباد کاشان، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- نوری شادمهانی، رضا و جاوری، محسن، ۱۳۹۳، گزارش فصل سوم کاوش محوطه تاریخی فیض‌آباد کاشان، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- نوری شادمهانی، رضا و مولودی آرانی، علی، ۱۳۹۴، گزارش گمانه‌زنی اضطراری محوطه نجف‌آباد آران‌ویدگل، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.